

چکیده :

حاکمیت شرکتی، مجموعه سیاست ها، روشها و اقداماتی است که برای تأمین منافع ذینفعان شرکت ها تدوین شده است. هدف آن، افزایش ضریب اطمینان فعالیت های شرکت و سیاست های مدیریت در راستای منافع سهامداران به طور مشخص و به طور کلی، تمامی ذینفعان است. بنابراین، می توان انتظار داشت که مکانیزم های حاکمیت شرکتی بتواند رفتارهای فرصت طلبانه مدیران را کنترل کند. پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می پردازد که آیا حاکمیت شرکتی موجب کاهش اثر منفی مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود یا خیر؟ برای دستیابی به هدف مذکور یک فرضیه تدوین شده است که با دو مدل آزمون می شود. امتیاز حاکمیت شرکتی در مدل اول بر اساس نسبت اعضای غیر موظف و در مدل دوم بر اساس متوسط منابع درآمد اندازه گیری می شود. در این تحقیق از ارقام تعهدی با استفاده از مدل تعدیل شده جونز به عنوان شاخصی برای تعیین مدیریت سود در شرکت ها استفاده شده است. بدین منظور اطلاعات ۱۰۹ شرکت طی سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ به کار گرفته شده است. روش پژوهش از نوع توصیفی و همبستگی می باشد. یافته های این تحقیق نشان می دهد که با در نظر گرفتن نسبت اعضای غیر موظف به عنوان یکی از مکانیزم های حاکمیت شرکتی، اثر منفی که مدیریت سود می تواند به همراه داشته باشد کاهش می یابد. بنابراین در مدل اول فرضیه تحقیق پذیرفته نشده و در مدل دوم فرضیه تحقیق پذیرفته می شود.

کلید واژه ها: حاکمیت شرکتی، مدیریت سود، نسبت اعضای غیر موظف